

پول‌های با بک زنجانی کجاست؟

سیدحمید حسینی: در قراردادهای گازی و نفتی شاهد  اتفاقی بودیم که تا سال‌ها پندآموز است

عضو هیات مدیره اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی معتقد است: «احمدی‌نژاد بدترین دوران نفت را برای کشور به ارمغان آورد؛ اگرچه از نظر قیمتی، نفت وضعیت خیلی خوبی را داشت.»

مریم فکری: اصلاً نمیشود از نفت سخن گفت و یادی از احمدی‌نژاد نکرد؛ آوردن نام احمدی‌نژاد هم بدون نفت شاید غیرممکن باشد. هرچه باشد، او رئیس دولتی است که صاحب درآمد نفتی 700 میلیارد دلاری نفت بود و در 8 سال ریاست‌جمهوری‌اش، 4 وزیر و 3 سرپرست را بر مسند نشانید. از سوی دیگر، پول نفت باید سر سفره‌های مردم بیاید و مبارزه با مافیای نفتی، از مهم‌ترین شعارهای او بود، اما در نهایت به باور تحلیلگران، عملکرد نفت در آن دوران نشان می‌دهد که هیچ پروژه بزرگ توسعه‌ای در نفت و پتروشیمی به بهره‌برداری نرسید.

به گفته سید حمید حسینی، عضو هیات مدیره اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی، «از آن فرصت طلایی درآمدهای نفتی استفاده بهینه به عمل نیامد و درآمدهای نفتی برای توسعه نفت استفاده نشد و حتی منابع داخلی نفت در سایر پروژه‌ها هزینه شد.» وی عنوان می‌کند: «در دوره احمدی‌نژاد، به قول آقای زنگنه کارمندان رسمی و قراردادی شرکت نفت از 80 به 220 هزار نفر افزایش یافت و این موضوع بار سنگینی را بر نفت تحمیل کرد؛ شاید جالب‌ترین نکات، استخدام چوپان‌ها در نفت بود.»

آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح گفت‌وگوی خبرگزاری خبرآنلاین با سیدحمید حسینی، عضو هیات مدیره اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی در کافه‌خبر خبرگزاری خبرآنلاین است.

بررسی وضعیت صنعت نفت حاکی از آن است که در طول یک دهه گذشته با تحولات بسیاری روبه‌رو بوده است؛ اتفاقات و تصمیماتی که گاهی حتی به ایجاد رانت برای افرادی همچون بابک زنجانی‌ها منتهی شد و با اقدامات توسعه‌ای صنعت نفت کند شد. چه رفتارها و رویکردهایی باعث

شد که چنین اتفاقاتی بیفتد؟

ببینید، افلاطون معتقد است «آنهايي که قصه می‌گویند، بر جامعه حکومت می‌کنند.»

آقای احمدی‌نژاد هم قصه‌گفتن را با نفت شروع کرد. اول از مافیای نفتی سخن گفت و بعد هم این‌که نفت را سر سفره مردم می‌آورم. احمدی‌نژاد با این دو حرفی که زد، توانست کاری کند که مردم قصه او را باور کنند، اما به نظر من بدترین دوران نفت را برای کشور به ارمغان آورد؛ اگرچه از نظر قیمتی، نفت وضعیت خیلی خوبی را داشت، ولی در دوران احمدی‌نژاد هیچ پروژه بزرگ توسعه‌ای در نفت و پتروشیمی به بهره‌برداری نرسید و به عبارتی، از آن فرصت طلایی استفاده بهینه به عمل نیامد و درآمدهای نفتی برای توسعه نفت استفاده نشد و حتی منابع داخلی نفت در سایر پروژه‌ها هزینه شد.

عمکرد آقای احمدی‌نژاد در حوزه نفت را از چند منظر می‌توان بررسی کرد: توسعه نفت، گاز و پتروشیمی - نیروی انسانی - مدیریت نفت - سازمان‌های بین‌المللی و حضور در اوپک - قراردادهای نفتی - مسایل جانبی نفت مثل سوآپ. در بحث قراردادهای گازی و نفتی متاسفانه شاهد اتفاقی‌هایی بودیم که تا سال‌های سال می‌تواند پندآموز دیگران باشد. سال‌های سال صنعت نفت را از منابع خارجی محروم کردند و شرکت نفت را یکی از بدهکارترین شرکت‌های نفتی دنیا تبدیل کردند (بیش از 50 میلیارد دلار شرکت ملی نفت بدهکار است). الان وقتی که شرکت‌های اعتباری دنیا وزارت نفت ایران را ارزیابی می‌کنند، به طور قطع نمره قابل قبولی نخواهد گرفت و بنابراین هزینه تامین مالی افزایش خواهد یافت.

از آن طرف، به قول آقای زنگنه کارمندان رسمی و قراردادی شرکت نفت از 80 به 220 هزار نفر افزایش یافت و این موضوع بار سنگینی را بر نفت تحمیل کرد. شاید جالب‌ترین نکات، استخدام چوپان‌ها در نفت بود.

این موضوع در کجا اتفاق افتاده بود؟

نفت، برای مراقبت از خطوط لوله نفت‌وگاز در مناطق کوهستانی و بیابان‌ها از نیروهای محلی از جمله چوپان‌ها استفاده می‌کرد و در ازای آن، مبلغی پرداخت می‌کرد. اما پس از تصمیم دولت احمدی‌نژاد مبنی بر سازماندهی نیروهای قراردادی، بعضی از این افراد هم به

استخدام نفت در آمدند. این کارها واقعا بدیع بود که رخ داد.

از سوی دیگر، در دوره اول آقای احمدی‌نژاد در رابطه با فرآورده‌های نفتی شاهد بودیم که مصرف فرآورده‌ها به شدت افزایش پیدا کرد، چون قانون تثبیت قیمت‌ها را اجرا کردند و از افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی جلوگیری شد و نرخ ارز را نیز ثابت نگه داشتند. سالانه شاید بیش از 5 تا 7 میلیارد دلار برای واردات بنزین هزینه می‌شد و بخشی از پرونده‌ای که آقای احمدی‌نژاد در دیوان عالی کشور دارد، به خاطر واردات بنزین است که بدون مصوبه مجلس واردات صورت گرفته است.

چه رانتی در این واردات وجود داشت؟

رانتی وجود نداشت. تصمیم غلط بود. در واقع نتیجه تثبیت قیمت‌ها، مصرف شدید حامل‌های انرژی و رشد قاچاق بود. در عین حال، به دلیل این‌که در پخش پالایشگاهی کار توسعه‌ای نکرده بودند، مجبور بودند 5 تا 7 میلیارد دلار بنزین وارد کنند؛ آن هم بنزین ۶۰۰ دلاری. به عبارتی، نفت گران شده بود و بنزینی هم که وارد می‌کردیم، با قیمت‌های بالا بود.

در دور دوم دولت احمدی‌نژاد قانون هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد که به نوع دیگری واحدهای تولیدکننده برق و فرآورده‌های نفت و گاز فشار آورد و منابع آنها را برای هدفمندی یارانه‌ها مصرف کرد و این واحدها را فلج کرد و همزمان با تشدید تحریم‌ها، شاهد تولید بنزین پتروشیمی‌ها بودیم که آن هم یک فاجعه محیط‌زیستی بود. می‌خواستند نشان دهند که دیگر نیازی به واردات نداریم، اما از آن طرف، تشنج آفرین‌ای که در فضای بین‌المللی کردند، نتیجه‌اش تحریم و کاهش فروش نفت و در مرحله بعد، تحریم واردات بنزین بود که اتفاق افتاد. به این ترتیب، مجبور شدند به بنزین پتروشیمی‌ها پناه ببرند که «بنزن» موجود در بنزین پتروشیمی در مراحل اول ۵۰ برابر حد مجاز بود، ولی به خودشان جایزه می‌دادند، در حالی که هر کس در آن زمان در تماس مستقیم با این بنزین بوده، با خطر سرطان مواجه بوده است.

در دستوری که به پتروشیمی‌ها دادند که بنزین تولید کنند، آیا رانتی وجود داشت که به شرکت خاصی بخواهند بدهند؟

خیر، به نظر من این‌ها بیشتر دنبال قصه گفتن و جا انداختن طرح‌های خود بودند.

یعنی داستان بنزن و اثر آن بررسی نشد؟

چه کسی می‌خواست بررسی کند؟ من یک مصاحبه کوتاهی در آن زمان با یکی از روزنامه‌ها کردم که سازمان استاندارد به این بنزین رسیدگی کند و به مردم هم اطلاع‌رسانی شود که بنزینی که توزیع می‌شود، غیراستاندارد است. به خاطر این مصاحبه از من به دادگاه انقلاب به بهانه تشویش اذهان عمومی شکایت کردند، ولی بعد که متوجه شدند مستندات دارم، منصرف شدند و شکایت خود را پس گرفتند.

تخریبی که در فضای نفتی و صنعت نفت آن زمان اتفاق افتاده بود، به نظر شما چقدر فضا را برای ورود بابک زنجانی فراهم کرد؟ با توجه به این‌که دولت دهم با جدی شدن تحریم‌های نفتی، مجوز ورود بخش خصوصی برای فروش نفت را صادر کرد.

ببینید، ستاد تدابیر ویژه‌ای تشکیل شده بود که یک راه‌حلی برای دور زدن تحریم‌ها پیدا شود. اما این ستاد کارش دور زدن قانون شده بود و ما به جای این‌که تحریم‌ها را دور بزنیم، قانون را دور می‌زدیم. روند حرکتی دولت احمدی‌نژاد به‌گونه‌ای بود که کشور را به تحریم برد و عواقب تحریم هم این بود که روز به روز، هم وزارت نفت تحریم شد، هم نفت ایران تحریم شد و هم همه شرکت‌هایی که در رابطه با نفت بودند، تحریم شدند. یعنی چاره‌ای نداشتند جز این‌که گارد را باز کنند و اجازه دهند بخش خصوصی وارد شود. بابک زنجانی را وارد کردند، زیرا با صندوق بازنشستگی نفت معامله انجام داده بود و هواپیمایی قشم‌ایر را خریده بود و برایشان پول جابه‌جا کرده بود.

ما بخش خصوصی توانمند داریم. اما چرا بابک زنجانی؟

آن زمان این‌طور تصور می‌کردند که توانمندی بابک زنجانی بیشتر از بقیه است. احساس می‌کردند که او بانک دارد و پول و روابط دارد. بابک زنجانی به نحوی نشان می‌داد که وضع مالی خوبی دارد و هزینه می‌کرد و خوب می‌گشت.

اما به هر حال پشتیبانی هم می‌شد.

بله، به هر حال حمایت‌هایی وجود داشت و این‌ها اعتماد و اطمینانی به او داده بود. ولی بچه‌های شرکت نفت و امور بین‌الملل با تجربه‌ای که داشتند، با وجود این‌که وزیر وقت دستور داده بود و کتبی نوشته بود که با بابک زنجانی قرارداد ببندید، امور بین‌الملل زیر بار آن نرفت. امور بین‌الملل به بابک زنجانی گفت با شرکت نیکو قرارداد ببند و من بار را به شرکت نیکو می‌دهم و شما بار را از نیکو بگیرید. به این ترتیب، امور بین‌الملل زیر بار این موضوع نرفت.

در همین جریان‌ات، چه اتفاقاتی افتاد؟

بابک زنجانی وقتی وارد شد، فکر می‌کنم اوایل سال 1389 بود. بحث این بود که یک نفر آمده و دارد نفت می‌خرد و می‌فرشد. هم بحث نفت‌خام بود و هم بحث فرآورده بود. آن زمان کشور دچار مشکل بود و قرارداد گاز با ترکمنستان نیز دچار مشکل شده بود. آقای نعمت‌زاده مجبور شد که دوباره قراردادهای سوآپ را عملیاتی کند و از شمال فرآورده وارد کند. این کار در سال 1390 ادامه پیدا کرد. ما از یکی از شرکت‌هایی که سوآپ کرده بود، رفتیم محموله گرفتیم و وقتی وارد بازار شدیم که بفروشیم، دیدیم می‌گویند قیمت‌ها منهای 30 و منهای 35 دلار است. اصلاً رسم و عرف نبود، همیشه قیمت‌های ایران 5 دلار بالاتر از فوب خلیج فارس بود. ما متوجه شدیم یک مقدار زیادی محموله از ایران آمده و به شرکت فال داده شده و با قیمت‌های منهای 50 دلار در تن و فال هم با قیمت‌های منهای 30 دلار در تن می‌فروشد. بنابراین شما اگر بخواهید بار را بفروشید، مجبور هستید که طبق قیمت‌های بازار بفروشید. ما دیگر به هر شکلی بود، محموله را با قیمت منهای 15 دلار فروختیم و هر تن 10 دلار ضرر کردیم. اما این موضوع باعث شد که پیگیر این جریان باشیم که چه کسی وارد بازار شده است. در پرسوجوها به این اطلاعات رسیدیم که فردی به نام بابک زنجانی وارد بازار شده است.

قبل از آن هیچ فعال اقتصادی یا تاجری بابک زنجانی را نمی‌شناخت؟

خیر، افرادی که در کار نقل و انتقال پول هستند، میدانستند که بابک زنجانی این کار را میکند، اما در بحث فرآورده‌ها اصلاً کسی ایشان را جدی نمی‌گرفت. این باعث شد که ما متوجه اتفاقات بازار بشویم.

آن زمان اسم آوردند؟

اتفاقاً دو سه ماه قبل از این ماجرا، نمایشگاه دستاوردهای مناطق آزاد بود. من داشتم از جلوی غرفه قشم رد می‌شدم، یکی از دوستان من را دید و گفت بیا بریم غرفه «سورینت» را ببینیم و آنجا اسم بابک زنجانی را شنیدم. وقتی بچه‌های شرکت نفت گفتند فردی به نام بابک زنجانی هست، یاد سورینت و نمایشگاه افتادم. کم‌کم تلفن‌ها از مالزی شروع شد که محموله این‌جا هست و ما خریدار محموله هستیم. تلفن از چین شد که یک محموله از چین آمده و مالک آن بابک زنجانی است و ما خریداریم. دیگر برای ما قطعی شد که بابک زنجانی هم نفت‌خام خریده و هم فیول‌اویل. حدود 1.5 میلیون تن مازوت (فیول اویل) خریداری کرده و چند کشتی نفت و میعانات برده بود. تقریباً همه بازار را تحت‌تاثیر قرار داده بود و همه کسانی که به نحوی می‌خواستند کار انجام دهند، به این نتیجه رسیده بودند که با وجود بابک زنجانی در بازار و از آن طرف، نیروی انتظامی هیچ کاری نمی‌توانند انجام دهند. عملاً هم از بخش خصوصی نه کسی نتوانست در نفت‌خام کاری انجام دهد و نه در میعانات گازی/ تا چند وقت بازار فرآورده‌ها در منطقه به‌هم ریخته بود تا زمانی که کل باری که بابک زنجانی خریده بود، فروخته شد. به این ترتیب، دوباره بازار فرآورده راه افتاد.

در این خصوص شما به عنوان نماینده اتحادیه چند جلسه با وزارت نفت برای فروش نفت توسط بخش خصوصی داشتید؟

من هیچ‌گاه خود را درگیر نکردم. در اتحادیه کنسرسیومی ایجاد شده بود، اما من از ابتدا میدانستم شدنی نیست. طبق قوانین و مقررات شرکت نفت، امکان این‌که شما بتوانید نفت‌خام بگیرید و بفروشید، در بازار وجود ندارد. اما با این‌حال دوستان اصرار داشتند که ما این کار را انجام می‌دهیم. بارها مذاکرات و جلساتی برگزار شد، ولی عملاً مذاکرات به جایی نرسید و نشد کاری انجام دهیم. فقط نیروی انتظامی و بابک زنجانی وارد کار شدند.

مشکل کجا بود که بخش خصوصی نمیتوانست در فروش نفت ورود کند؟

ببینید، بابک زنجانی نمیتوانست با یک اِلِسی قلابی بار را تحویل بگیرد، اما به بخش خصوصی می‌گفتند پول را به حساب بریز و بعد بار را تحویل بگیر. کدام بخش خصوصی نمیتوانست برای مثال، یک محموله نفتی را به قیمت 40 میلیون دلار خریداری و پول را به حساب بریزد؟ آن هم حساب‌های شرکت نفت که تحریم بود و نقل و انتقال پول مشکل بود. عملاً بخش خصوصی نمیتوانست کاری انجام دهد.

شما می‌گویید از همان ابتدا در اتحادیه معتقد بودید که فروش نفت توسط بخش خصوصی ممکن نیست. حتی زمانی هم که شنیدید بابک زنجانی وارد شده، چنین تصویری را داشتید؟

سیستم وزارت نفت از قدیم این‌گونه بود که نفت را به پالایشگاه‌ها می‌فروخت. من در صورتی نمیتوانستم نفت بخرم که بتوانم در بازارهای آزاد بفروشم. به دلیل این‌که قوانین وزارت نفت اجازه نمی‌داد که نفت به صورت کالا معامله شود، عملاً به این جمع‌بندی رسیدیم که بخش خصوصی نمیتواند این کار را انجام دهد. الان هم بخش خصوصی نمیتواند در نفت وارد شود. یعنی تا زمانی که ضوابط فعلی نفت حاکم است، عملاً تجارت نفتی معنا ندارد.

شما هیچ تماسی با بابک زنجانی در آن دوران نداشتید؛ به خصوص بعد از این‌که شنیدید وارد بازار نفت شده است؟

خیر، خوشبختانه من هیچ تماسی نداشتم.

فکر می‌کنید پول‌های بابک زنجانی کجاست؟

یک مقداری از پول‌های بابک زنجانی از بین رفته است. بابک زنجانی کندانست (میعانات گازی) را بشک‌ای 107 دلار و در بالاترین قیمت‌ها خریده بود. بعد یک سال و نیم و دو سال که کشتی‌هایش را به وزارت نفت برگرداندند، قیمت‌ها 85، 90 دلار شده بود. 20، 30 دلار در هر

بشکه ضرر کرد. در مازوت برای مثال 450 هزار تن بار او را اصلا شرکت فال پول نداد و اسناد نداشت. به این ترتیب، بخشی از این پول دموراز کشتی‌ها و کاهش ارزش و موضوع فال شد. بخش دیگر از پول او را دوستان خارج از کشورش خوردند. بخش دیگر پول را هم املاک و دارایی خرید به امید این‌که قیمت ملک دو سه برابر می‌شود. فکر نمی‌کرد که قیمت دلار سه برابر می‌شود، اما قیمت ملک نه‌تنها افزایش پیدا نمی‌کند، بلکه کاهش ارزش خواهد داشت.

بابک زنجانی فکر اقتصادی داشت؟

بابک زنجانی فرد پیچیده‌ای نبود. امکان دارد در بحث نقل و انتقال پول فرد زرنگی بود، اما تحلیلگر مسایل اقتصادی نبود. به نظر نمی‌آید الان پولی داشته باشد، در حد یکسوم بدهی‌اش را شاید پول داشته باشد.

وکیل شرکت نفت به تازگی گفت در حال شناسایی املاک بابک زنجانی هستیم و او همچنان 10 هزار میلیارد تومان بدهکار است. این 10 هزار میلیارد تومان بدهی‌ای که عنوان می‌شود، چه؟

اصل بدهی‌اش، 2، 3 میلیارد دلار است.

پس عملاً پولی وجود ندارد؟

آنطور که من شنیدم، بابت فرآورده‌ها یک میلیارد و 700 میلیون یورو اصل بدهی‌اش است که 600، 700 میلیون یورو را برای خرید دکل‌ها داده است. حالا حدود یک میلیارد یورو مانده است.